

جنبش دانشجویی در دو سال گذشته

جنبش دانشجویی نیز مانند هر واقعیتی اجتماعی دیگر تحت تاثیر روابط سیاسی - اجتماعی موجود زیست کرده و تطور می یابد. دانشجویان گرسنه پیوند مستقیمی با رابطه کار و سرمایه در روند تولید اجتماعی ندارند، ولی موجودیت اجتماعی آنها با تکامل روابط سرمایه داری گسترش می یابند. انباشت سرمایه و تحقق ارزش اضافی در جامعه، لزوم آموزش کارمندان فنی و فکری آگاه با بد در خدمت سازانندهای این روند قرار گیرند، مطرح میکنند. تا قبل از یورش ارتجاع به دانشگاهها، تحت نام "انقلاب فرهنگی" حدود دو بیست هزار نفر در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور به تحصیل مشغول بودند. رقی در حدود رقم فوق الذکر نیز بیانگر تعهدات دانشجویان ایرانی است که در کشورهای آمریکا، اروپا و آسیا به تحصیل اشتغال دارند. این ارقام در قیاس با دهه های قبل، گسترش این بافت اجتماعی را در تطابق با گسترش روابط تولیدی سرمایه داری آشکار میکند. گرچه دانشجویان از لحاظ موقعیت اجتماعی بطور کلی در خدمت تولید و تجدید تولید روابط بورژوازی تولید سازاننده می شوند ولی موجودیت آنها بعنوان بخش مهمی از روشنفکران جامعه در مبارزات سیاسی و اجتماعی نقش فسران جایگاه آنان در تقسیم کار اجتماعی، سرعده شان برآورد می دهد. این امر بویژه به دلایل زیر به مبارزات دانشجویی در مین ما موقعیت ویژه ای بخشیده است - دانشجویان ترکیب اجتماعی متناسبی از نقطه نظر طبقاتی نداشته و طبعا "فرزندان کارگران زحمتکشان جزئی از این ترکیب را تشکیل میدهند و دقیقاً" این مسئله است که میتواند در چهارچوب معینی در تعیین سمت گیری جنبش موثر واقع شود - بورژوازی ایران به علت ماهیت ساخت و محتوای خود هیچگاه قادر به جذب سیاسی - ایدئولوژیک و تکنیکالی توده ای دانشجویان نگردید. - در ایران به علت مداخله دولت، ایجاد هرگونه تشکیلات وسیع و دموکراتیک دانشجویی انجام نداد پذیر بود. از این رو در هر حرکت بسمت سازمان نیایی دانشجویان خود را در مقابل حاکمیت میافتند. وجود جواحتناق، و ترور گسترده و همه جانبه، فساد و بیانی بازی در دستگاه بوروکراتیک و فقر و محنت میلیونها توده زحمتکش، عوامل مهمی بودند که مانع اساسی بر سر راه گرایش توده دانشجویی بسمت رژیم حاکم را ایجاد میکردند. رژیم وابسته به امپریالیسم شاه علیرغم برنامه های عربی و طویل چه در زمینه های ارضای نیازهای فرهنگی روشنفکران در چهارچوب مسایب حاکم وجه پاسخ به خواسته های مادی آنان، پیش از همه در مرحله ای سرکوب و مقابله با مبارزات آنان، هیچگاه قادر نگردید جز بخش بسیار ناچیزی از آنان را جذب دستگاه سرکوب خود کند.

جنبش دانشجویی در ایران بمدت چند دهه نه تنها در هر یک از بحرانهای سیاسی، بلکه در عین حال همواره به نحو جدائی نا پذیر جزئی از ترکیب عمومی جنبش مردم بوده و از این رو با تکامل جنبش



عمومی مردم پیوند یافته است. در دورانهای که تکانه های توده ای مشهود نبوده و رکود نسبی بر جنبش حاکم بوده است، جنبش دانشجویی، بخش اصلی آنسرا تشکیل داده است، و در مراحلی که مبارزات اجتماعی در ابعدی گسترده جریان داشته اند، جنبش دانشجویی در حاشیه مبارزات طبقاتی جای گرفته است

بر اثر بحران حاکم در نهادهای آموزشی و از جمله دانشگاهها نیز توده وسیعی از دانشجویان که در دوره طولانی اختناق از لحاظ سیاسی فعالیت گسترده ای نداشتند به معنای مبارزه گام نهادند. بعد از سرنگونی سلطنت و تداوم بحران که تداوم مبارزه را نیز بدنبال داشت، مبارزات دانشجویان نیز ادامه یافت. مبارزه در راه ایجاد تشکلهای شورائی دانشجویی، استادان و کارمندان، بدست گرفتن اداره دانشگاهها توسط این شوراها و انتخابات سلسله مراتبی دانشگاهی توسط آنان یکی از مهمترین دستاوردهای مبارزات دانشجویی بعد از سرنگونی رژیم شاه است. تا گفته نیا بدگذاشت که هنگامی و همراهی استادان مترقی با دانشجویان و مشارکت آنان در مسائل فوق عالموثری در تحقق این برنامها بوده است. بخشی از فعالیت دانشجویان و استادان مترقی در دانشگاهها در مدت کوتاه قیام بهمن ماه تا اشغال دانشگاهها توسط رژیم حاکم، مصروف تنظیم آنچنان برنامه های آموزشی شده بود که در خدمت نیازهای واقعی زحمتکشان باشد اگرچه فرصت برای تنظیم این برنامه ها در زمینه های علمی، فرهنگی و هنری بسیار کوتاه بوده و آنچه انجام شد، عملاً از تدقیق خطوط کلی چنین برنامه های فراتر نرفت، ولی با این وجود گامی موثر در جهت تحقق هدفی بود که میبایست توسط دانشجویان و دانشگاهیان مترقی و انقلابی پیگیری شود. حق فعالیت سیاسی در دانشگاهها و تشکیلات آن، علیرغم تمامی تمهیدات رژیم، تصفیه ساواکی ها و وابستگان رژیم سلطنتی، از جمله دیگر نتایج مبارزات دانشجویی در این دوره کوتاه بوده است. اما مبارزات دانشجویی در دو سال گذشته بهیچ روی به محیط دانشگاهها و مسائل خاص آن محدود نمیشد. مبارزه گسترده و بیگانه علیه رژیم حاکم، و بکارگیری تمامی توان توده های دانشجویی در جهت افشای جنایات رژیم در سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان و دفاع همه جانبه از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم ایران، و مقاومت علیه تحاوزات رژیم به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم - بخش مهمی از مبارزات جنبش دانشجویی میهن ما را تشکیل داده است. یکی دیگر از اقدامات موثر دانشجویان در طول دو سال گذشته اشغال هتلها و ساختمانهای بزرگ در تهران و شهرستانها توسط دانشجویان دانشکده ها و مدارس عالی در اول آبان ماه ۱۳۵۸ بود. اشغال هتلها در شرایطی که رژیم کوشش میکرد بسا

تسلیم و عوام فریبی و وعده و وعده دادن حذر دار کردن - حاجت مندر مالک - حموی - ارگسترش حرکات انقلابی تا منبر مکرر جلوگیری، آغاز حرکت نویسی برای نشان دادن راه حل درست در جهت تحقق شعار مکرر برای همه بود، با اینکه روشن بود که این تصرف نمیتواند مدت طولانی در چهار چوب مناسبات سرمایه داری ادامه یابد، ولی در عین حال نشان داد که میتوان موانع ایجاد شده توسط قوانین استثمارگرانه را در عمل از سر راه برداشت، میتوان با اقدامات انقلابی به نیازهای مبرم زحمتکشان پاسخ داد.

در یک کلام مبارزات دانشجویی در دو سال گذشته در تمام زمینه های اجتماعی و سیاسی، به دستبسی - وردهای گرانقدری رسیده است که میبایست حفظ شده و تداوم یابند.

رژیم جمهوری اسلامی که از همان اولیوسن روزهای پیروزی مردم بر رژیم وابسته شاه، شاهد تبدیل شدن دانشگاهها به محلی برای افشای سیاستهای ضد مردمی خود بود، تنها جام گسترده برای درهم کوبیدن این سنگرهای مستحکم مقاومت را آغاز کرد. هنوز چند روزی از پیروزی قیام نگذشته اولین گامها برای سرکوب دانشجویان مرفقی و انقلابی برداشته شد. دفاتر سازمانهای دانشجویی مورد هجوم اوپاش قرار گرفت. حمله به تجمعات نیروهای انقلابی آغاز شد و هر روز دامنه وسیعتری یافت. از سوی دیگر سردمداران رژیم که اداره ی دانشگاهها توسط شوراها ی منتخب را مغایر اهداف ضد انقلابی خود میدانستند، توطئه و دسیسه برای از میان برداشتن این نهادها را آغاز کردند.

اما خیلی زود بر تمام دست اندرکاران رژیم روشن شد که با زیودن دانشگاهها و با حضور فعال دانشجویان و استادان مرفقی آنها قادر نخواهند گشت به برنامهای خویش برای ایجاد دانشگاهی در خدمت روابط با عکس العمل قاطع مواجه میشد و نقشه شان بسیار زود ترازانچه انتظار آنرا داشتند، نقش بر آب میگشت. کمی بیش از یکسال از بازگشائی مجدد دانشگاهها توسط مردم در آستانه ی قیام پرشکوه بهمن گذشته بود که رژیم برنامه ی به تعطیل کشاندن مجدد آنرا طراحی میکند. حمله به دانشگاهها و کشتار دانشجویان مبارز و انقلابی این بار تحت پوشش "انقلاب فرهنگی" صورت میگیرد. در اول اردیبهشت ماه ۵۹ دانشگاهها و دانشکدهها به تدریج اشغال میشود. اما دانشجویان در برابر این یورش فاشیستی ایستادگی کرده و بسرعت کمیته های مقاومت در تمام دانشگاهها و مدارس عالی سازمان داده میشود. استادان مرفقی نیز پشتیبانی خود را از دانشجویان اعلام میکنند. مبارزه و مقاومت دانشجویان چند روز بطول می انجامد. سراسر محوطه دانشگاه تهران و برخی از دانشگاهها و مدارس عالی به محل برخورد اوپاش و جماقداران با پشتیبانی پاسداران سرمایه داران دانشجویان مصمم و انقلابی تبدیل میشود. رژیم که بهیچ وجه انتظار چنین مقاومت جانانه ای را از سوی دانشجویان ندارد، متوسل به آخرین حربه ی خود، یعنی کشتار آنان میشود. پاسداران سرمایه رسما "وارد عمل میشدند و

تعداد کثیری از دانشجویان انقلابی را به خون میکشند. در طول مقاومت حماسه آفرین دانشجویان در برابر این نهادم دهها تن کشته و صدها نفر زخمی شده و تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر میشوند. این مبارزه به تهران محدود نمی ماند، در اکثر قریب به اتفاق شهرهای دانشگاهی مقاومت دانشجویان گسترش مییابد. در حمله به دانشگاه زاهدان یک دانشجوی کمونیست شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر میگرددند. در حمله به دانشگاه شیراز حداقل سه نفر کشته و نزدیک به هزار نفر زخمی و صدها تن دستگیر میشوند. در دانشگاه جندی شاپور اهواز، ۱۵ نفر در اثر حملات جماقداران و پاسداران ارتجاع شهید و هزار نفر زخمی و ۸۰۰ نفر دستگیر میشوند. اوپاشان در این حمله وحشیانه به چندین دختر تاجا و زکس کرده و دانشگاه درهم کوبیده میشود. از دستگیر شدگان نیز بعدا "چند نفر تیرباران میشوند.

بالاخره بعد از چند روز، که از آغاز حمله به دانشگاه میگردد، بنی صدر تا زه رئیس جمهور شده، برای نشان دادن وفاداریش به جمهوری اسلامی و کینه اش به نیروهای انقلابی، از "مردم" میخواهد که به دنبال او به دانشگاهها بیایند و این محصل را از دست نیروهای انقلابی "نجات" دهند. با این ترتیب تعطیلی دانشگاهها برای مدت نامعلومی تدارک دیده میشود و با پایان سال تحصیلی، این تعطیل آغاز میگردد. اکنون قریب به یکسال از تعطیل شدن دانشگاهها گذشته است. در این یکسال، آنچه که دائما "انجام گرفته تخریب تمام امکانات آموزش عالی در کشور، به همراه موج تبلیغات دروغین و عوام فریبانه علیه نیروهای مرفقی و انقلابی بوده است. " ستاد انقلاب فرهنگی - جهاد دانشگاهی" و سایر مراکز و موسساتی که برای انجام "انقلاب فرهنگی" ارتجاع تدارک دیده شده تاکنون قادر نشده اندا ابتدائی ترین برنامه مدون و همه جانبه را تنظیم کنند. با بالا گرفتن اختلافات بین جناحهای حاکمیت، اکنون مسئله ی دانشگاهها نیز به یکی از موارد دعوای بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی تبدیل شده است. اما مسلم اینست که این تغییرات نمیتواند بهیچ روی در جهت منافع زحمتکشان، بالا بردن کارآیی علمی و هنری توده های مردم و گامی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم جهانی باشد. در دانشگاهها آنان نه اثری از شوراها ی انتخابی خواهد بود، نه اثری از بحث و تبادل نظر خلاق و پویا. دانشگاهی که ارتجاع میخواهد برپا کندا بزاری خواهد بود در جهت حفظ سلطه سرمایه داران. به اعتقاد ما نیروهای انقلابی و جب باید با پشتیبانی همه جانبه از دانشجویان و دانشگاهیان مرفقی، ضمن افشای اهداف رژیم در بستن دانشگاهها و ضد انقلابی بودن ماهیت برنامه های هر دو جناح برای آموزش عالی، ضمن با فشاری بر بازگشائی فوری دانشگاهها، برای ایجاد دانشگاهی بر اساس نیازهای واقعی زحمتکشان تاکید کرده و برنامه خویش را برای ایجاد چنین دانشگاهی به میان توده ها بیاورند. بازگشائی دانشگاه نمیتواند بدون پشتیبانی توده های مردم از خواسته های بحق دانشجویان زودا دانشگاهیان تحقق یابد. بنا بر این

بقیه در صفحه ۹

گشایش دانشگاه، این سنگر آزادی، بنفع زحمتکشان، علیه امپریالیسم

با یدتوده‌ها را نسبت به اهداف رژیم آگاه گسوده
ولزوم بازگشائی فوری دانشگاهها را تبلیغ نمود،
تنها در این صورت است که میتوان، دانشگاه‌ایین
مسئل همیشه فروزان جنبش مترقی و ضدارتجاعی را بار
دیگر فروزان تر کرده و جهت گسترش مبارزه علیه رژیم
حاکم و امیرالاسم جهانی کام برداشت .